

معرفی دیوان خطی اکبر اصفهانی

لیلا مقدم^۱

مقدمه:

از نخستین دوره حکومت عباسی در تمدن اسلامی که آداب مملکت داری و نظام سیاسی، به پیروی از حکومت های ساسانی و یونانی در جهان اسلام رونق گرفت؛ بعضی از حکومت های محلی و برخی شاهزادگان، به تأسیس کانون های هنری همت گماردند، در این کانون ها بود که عده ای نسخه نویسی گرد هم آمدند و به نسخه آرایی کتاب ها پرداختند. از یک سو علاقه به نسخه پردازی و کتاب آرایی و از سوی دیگر طبع علمی و وسواس های علمی دانشمندان در جهان اسلام سبب ایجاد نسخه نویسی، مقابله و اصلاح نسخه های هر عصر و روزگار گردید.

بررسی نسخه های خطی حاکی از آن است که در تاریخ تمدن اسلامی به ندرت کاتبانی پیدا شدند که به دور از وابستگی های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به استنساخ نسخ مربوط به تمدن عصرشان بپردازند. گاه زمینه های اقتصادی و گاه زمینه های سیاسی، کاتبان و نسخه نویسان را گرد هم آورد و سبب ایجاد کانون نسخه نویسی گردید.

معرفی نسخه (دیوان اکبر اصفهانی)

نسخه ای حاضر به خط نستعلیق خوش نوشته شده است. برگ های زیادی از آن افتاده و بسیاری از آنها نیز جابجا گذارده شده و به ترکیب بند شروع و با مقطعات به پایان می رسد. این نسخه با اینکه افتادگی دارد شامل ۷۲۰۰ بیت است. تعداد قالب های این کتاب در برگزیده ۵۸۰ غزل، ۴۶ قطعه، ۲۱ قصیده، ۶ ترکیب

۱. دانش آموخته ارشد زبان و ادبیات فارسی.

بند و اترجیع بند است.

ظاهراً از خطوط نیمه‌ی اول قرن یازدهم هجری است. صفحات آن مجدول به طلا است و با این بیت آغاز گردیده:

بار دیگر بر سر سوز و گدازم داشتی
و انجام نسخه این بیت است:
در میان راه عشق از راه بازم داشتی
خداوند گیتی نگهدار بادش
ممالک ستان باد و اقلیم پیرای

جلد تیماجی، کاغذ دولت آبادی، قطع خشتی باریک، شماره برگها ۲۲۹، شماره‌ی صفحات ۴۵۷ و هر صفحه شامل ۱۷ بیت، طول ۲۱ سانتیمتر، عرض ۱۲ سانتیمتر، شماره دفتر ۱۲۹۷۵ و محل نگهداری نسخه، کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی ایران است.

بیا بالله به بسم الله اکبر
برون آور سراز خاک سرانداز
"اکبر اصفهانی"

گذری بر شرح حال اکبر اصفهانی:

با توجه به چندین کتب تذکره‌ای که مورد مطالعه قرار گرفت، شرح حالی از این شاعر یافت نشد. نام این شاعر به اختصار در کتاب الذریعه آقا بزرگ طهرانی و در کتاب فهرست نسخه‌های خطی احمد منزوی تحت عنوان اکبر اصفهانی یا عراقی آورده شده است. از مندرجات دیوان بر می‌آید که اکبر اصفهانی به طور مستقل و بدون حمایت پدرش بزرگ شده است، او از پدر تنها سایه‌ای جز نامش بر سر نداشته تا جایی که پدرش را ناپدری خوانده و گفته:

میراث پدر، برادران راست
من آن محکم که غیر رنگی
من جز نه پدر، پدر ندارم
از جوهر سیم و زر ندارم
(ص ۹۳ دیوان، بیت ۲، ۱)
گویا او مادر هم نداشته و تحت حمایت دایه و با سختی فراوان پرورش یافته است. و آورده شده که از تیغ جفای پدر و برادرانش ضربه خورده است:

سهراب سان ز تیغ پدر، زخم خورده ام
از دایه صد طپانچه به رخسار خورده ام
یوسف صفت، جفای برادر کشیده ام
تایک دو قطره شیر به لب در کشیده ام
(ص ۴۴۶ دیوان، بیت ۷، ۶)

از لایه لای ابیات دیوانش فهمیده شد که اصل و نسب او عراقی است، ولی از آن دیار عزم سفر کرده و اصفهان را مکان مناسبی برای ماندن دانسته است.

این چنین بر می آید که طبعی نیکوداشته و قصیده و غزل را خوب می سروده؛ همچنین او جوانی دانشمند، فاضل و شاعری سخن سرا و هنرمند بوده است. اما به دلیل جو آن روزگار که به هنر و شاعری رغبتی نشان داده نمی شده و چون نتوانسته از این راه پول چندانی کسب کند، بارها به شکایت پرداخته و خود را سرزنش کرده است.

در هیچ جای دیوان او، صحبتی از داشتن همسر نشده است. گویا او ازدواج نکرده و فرزندى هم نداشته زیرا در صفحه ۴۲۴ دیوان بیت ششم با نسبت دادن حرفی رکیک معلوم می شود که فرزندى نداشته:

خط بیزاری ست خط سرنوشتم از فلک
ناز فرزندى که دارم هست از....خرى
طبق ابیات زیر که برگرفته از قصاید آخر دیوان او می باشد و به دلیل نداشتن زن و فرزند، احتمالاً او
سی سال و اندی بیشتر عمر نکرده است:

دارم ز جور گردش دوران شکایتی
کز شرح آن خمیده شود خامه در بنان
سی سال بیش شد که ز ترکیب عنصری
در تیه قید جسم فتادم به خاکدان
بیمار طبعم آرنه در این خاکدان چرا
کام دلم و وبال شد و آرزو بیان
(ص ۴۱۱ دیوان ، ابیات ۱۵ ، ۱۶ و ۱۷)

اکبر اصفهانی در ابتدا همواره آرزوی رفتن به هند را در سر می پرورانده است. او برای تحقق بخشیدن به این آرزو به آنجا سفر کرده و مدتی در آن دیار اقامت گزیده، ولی آنجا بر وفق مرادش نیفتاده و دوباره عزم وطن خویش کرده و به اصفهان بازگشته است. او در غربت آنقدر دلنگ اصفهان شده که در لایه لای اشعارش می گوید، حتی اگر گذرش به عراق، جایگاه آباء و اجدادش هم بیفتد به گریستن برای آن خاک قناعت می کند و به آنجا نمی رود تا از اصفهان دور نشود.

او همچنین در قصیده ای طولانی آرزوی رفتن به هند را مانند غولی دانسته و دلبستگی خود را به آن آب و خاک ابراز می دارد و متذکر می شود که کوچکترین و حقیرترین چیزهای اصفهان، بر نعمتها و ثروت های شریف و مفصل هند رجحان و برتری دارد. همچنین او مدتی در توران بوده و ندر محمد خان پادشاه آنجا را مدح کرده ولی پاداش و صله این قصیده را اجازه رفتن به وطن تقاضا نموده است. بلخ از مکان های دیگری ست که اصفهانی بدانجا سفر کرده، زیرا در قصیده صفحه ۴۲۵ دیوان از مردم زمانه شکایت نموده و از توقف در بلخ و فساد اخلاقی و روحیات مردم آنجا شکوه نموده است.

در میان غزلیات او بارها و بارها از لفظ زاهد استفاده شده است. تالو این عشق و ارادت او به زاهد و انسان پرهیزگار وارسته در جای جای دیوانش نمایان است. او در صفحه ۱۱۸ دیوان، بیت چهارم می گوید:

از عشق تو ای زاهد صد پاره کنم جان را
تاجان نومی بخشم این هستی عریان را
از اشعاری که در ارادت و دوستی پیامبر اکرم (ص) و خلافت حضرت علی و خاندانش سروده، چنین برمی آید
که او شیعی مذهب است و دینش نیز اسلام است. او در صفحه ۳۸۷ دیوان، بیت ۲ و ۳ می گوید:

گر از حدوث کلام مجید، بدم لب
ز غصب ارث خلافت زخم صریح نطق
ابيض واضح و حکم رسول و فتوی عقل
پس از نبی به خلافت وصی اوست، احق
و یا در صفحه ۳۹۶ دیوان، بیت ۱۶ در مورد اسلام چنین آورده:

که چون متابع اسلام و اهل تصدیقم
نظر به حسن یقین کرده ام به دیده ی حال
او غیر از مدح پیامبر و حضرت علی و خاندانش به مدّاحی شاه سلیم و شاه عباس ارادت می ورزیده، و
همچنین ندر محمدخان، شاه جهان، آصف سپهدار هند و شیخ صفی الدین را نیز مدح کرده است.
اصفهانی از جمله شعری است که به شاعران دیگر چندان رغبت نشان نداده است. او همواره خود و
شعرش را بر دیگر شاعران و اشعارشان ترجیح می دهد و شاعران دیگر را جمعی ارادل و مقلد می داند که
هیچ سخن تازه ای از خود ندارند. او آنها را در صفحه ۳۶۲ دیوان، بیت ۱۶ و ۱۷ این گونه وصف می نماید:

گویند شاعران دگر، شعرها ولی
با شعر من ترنشان آه حسرت است
آلوده ی خیال نجس، می زنند حرف
تا عاقبت دگر چه جزا و عقوبت است
حق سخن چنان که سزد کس، ادا نکرد
جز من که بر فنون کلامم مهارت است
در میان شاعران، او فقط در یک قطعه به مدح خاقانی پرداخته و از دو تن دیگر از شاعران به نام حکیم
غزنی (سنایی) و خلاق اصفهان به نیکی یاد کرده است.
دیوان اصفهانی قریب ۷۲۰۰ بیت در قالب قصیده، قطعه، غزل، ترکیب بند و ترجیع بند است. و چنانکه
خود اکبر تصریح نموده، رباعیاتی هم داشته ولی در نسخه اثری از رباعیات او یافت نشد و گویا جزء
صفحاتی از دیوانش بوده که از دست رفته و گم گشته است.

آرایه‌های لفظی و معنوی در غزلیات اکبر اصفهانی:

حاصل این گفتگوها معنی پاک است و بس
لفظ را در معنیان [آن] سخن نَبودَ رواج
لفظ اگر نیکو بود در شعر خوش، معنی نکوست
هست لفظ خوش نما در شعر، چون گهر، به تاج
شعر من حکمت بود، اکبر نه گفتگو ولی
بی سوادان سخن را زهر باشد در مزاج

(ص ۱۶۷ دیوان، ابیات ۳، ۴ و ۵)

به جز جلوه‌های ویژه در اثر این شاعر که مورد بررسی سبک شناسانه قرار گرفت، حاصل تراوش طبع و قریحه خوش ذوق او، درخشش آرایه‌های لفظی و معنوی در غزلیات رسا و لطیفش است. که بسیار توجه خوش ذوقان هنر شاعری را به خود معطوف کرده است.

خلاقیت این شاعر در به کارگیری از صنایع ادبی چون ارسال المثل، استعاره، اغراق، ایهام، پارادکس، تشبیه و انواع آن، تصدیق، تضاد، تضمین، تکرار، تلمیح، جناس، حس آمیزی، حسن تعلیل، طرد و عکس، کنایه، لف و نشر، مراعات النظیر و مجاز در اثرش به وفور یافت می‌شود. از نمونه‌های این آراستگی‌های بیان و بدیع به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. ارسال المثل:

چه لازم است که پا در گلیم خویش کشم
من از گلیم خود این پا دراز خواهم کرد
(ص ۳۴۱ دیوان، بیت ۳)

۲. استعاره:

سخن ز گوشه‌ی ابرو، نگه زغمزه کند
لبش بخیل سخن، نرگش نظر تنگ است
(ص ۲۲۰ دیوان، بیت ۱۰)

۳. اغراق:

درون پیرهن، خورشید پنهان کرده‌ای با من
بین اینک گواهی می‌دهد صبح از گریبانش
(ص ۶۶ دیوان، بیت ۸)

۴. ایهام:

عقل از نشئه‌ی دیوانگیم مجنون شد
آفت هوش بود صحبت دیوانه‌ی عشق
(ص ۷۴ دیوان، بیت ۱۳)

۵. پارادکس:

شاهدان باغ می‌خندند بر سامان من گوش کن این خنده‌های بی‌دهن بیدار شو
(ص ۲۵۰ دیوان ، بیت ۱۱)

۶. تشبیه و انواع آن:

الف - تشبیه بلیغ:

از هیچ شمع ، مجلس ما روشنی نیافت رفتیم تا سراغ سهیل‌عنب‌کنیم
(ص ۱۰۴ دیوان ، بیت ۴)

ب. تشبیه عقلی:

چو غنچه دوختم اکبر ز گفتگو لب خویش طلسم بر سر گنجینه سخن بستم
(ص ۹۶ دیوان ، بیت ۱۰)

شیوه رسم الخط:

۱ - تقریباً در ۹۹ درصد موارد همزه‌ی آغازین فعل « است » محذوف است. جاهایی که خللی در معنی و خواندن ایجاد نمی‌کرد، همزه‌اش آورده شد، مانند خویش است و عشق است در بیت زیر:

دلم آزرده‌ی خویشست با جانم نمی‌سازد سرم شوریده‌ی عشقست سامانم نمی‌سازد
(ص ۴۳ دیوان ، بیت ۱۳)

۲ - افزودن همزه « ای » و افزودن « ی » نکره یا نشانه‌ی اضافه به انتهای کلمات مختوم به « ه » مانند فشاننده ای در بیت زیر:

اکبر اگر نیست فشاننده پس که فشانند این همه افشاننده‌ها
(ص ۱۳۷ دیوان ، بیت ۹)

۳ - همزه « این » در سراسر نسخه هنگام همراهی با حرف « که » ، « در » و « ز » حذف گردیده است. برای تداخل با « کین » به معنی عداوت و کینه و « زین » به معنی ابزار و سلاح جنگی و برای سهولت خواندن به صورت « کاین » ، « در این » و « زاین » آورده شد:

میا لالب به خون دهر ، کین چرخ سیه کاسه به صد تلخی دهد آبی ، به صد منت دهد نانی
(ص ۲۸۶ دیوان ، بیت ۳)

درین خم گرچه رنگی نیست نیرنگ فلک آخر برون آرد به رنگ ارغوانی زعفرانیها
(ص ۱۳۴ دیوان ، بیت ۶)

شکست از تنگی جا در قفس ، بال و پرم اکبر همای همتم زین تنگنا پرواز می‌خواهد
(ص ۳۵ دیوان ، بیت ۸)

۴ - همزه‌ی « این » در همه جای نسخه هنگام همراهی با پیشوند « بر » به صورت « برین » آورده

شده است. برای دوری از تداخل با کلمه ی « برین » به معنی بالا و اعلی به صورت « براین » آورده شد :
نفس نفس کنم از حال خود حساب دگر برین رساله زخم هر دم انتخاب دگر
(ص ۵۶ دیوان ، بیت ۸)

۵- در جای جای نسخه همزه ی کلمه « نشئه » که باید بر روی کرسی «ی» باشد ، بر روی کرسی « الف » به شکل « نشأ » آمده است. که به صورت رسم الخط جدید آورده شد. مانند :
صبحی ازل ما را چنین در لذت افکنده است قدح نوشان همه از نشأ آغاز می‌خندند

(ص ۳۳ دیوان ، بیت ۸)
۶- در همه ی موارد پیشوند استمراری «می» چسبیده به فعل آمده است . در تصحیح جدا از افعال آورده شد. مانند می سوزد ، می گردد در بیت زیر :
دلی دارم که از دست بتان هرروز میسوزد به چندین رنگ میگردد به چندین سوز میسوزد

(ص ۳۴ دیوان ، بیت ۳)
۷- در همه جای نسخه (ه، هـ) بیان کننده ی حرکت، به هنگام اتصال با « های » جمع و فعل «است» حذف شده بود که در تصحیح ذکر شد. مانند ذره های در مثال زیر:

به خورشیدی بیابریگر از خاک پریشان ذره‌های خویشان را
(ص ۱۳۲ دیوان ، بیت ۶)
۸- در سراسر نسخه « الف » کلمه ی « صفاهان » آورده نشده است . یعنی به شکل « صفهان » نوشته شده که در تصحیح « الف » آن آورده شد :

یک نگاه گرم اگر بینم از آن جادو خرام می‌دهم سرمه بها ملک صفهانش تمام
(ص ۱۰۸ دیوان ، بیت ۱)
۹- در کل نسخه دو کلمه « بس » و « که » سر هم آورده شده است . که به صورت جداگانه آورده شد :

بسکه فکرم پرده از رخسار معنی برگرفت در حجاب غیب هم بگشاید و مستور نیست
(ص ۱۱۴ دیوان ، بیت ۱۱)
۱۰- جدا سازی حروف و کلمات در مواردی که اتصال آن موجب بدخوانی متن می شد. مانند به یک، به یک دیدار در مثال زیر:

ز محتتهای هجرانش دلم چندین گره دارد بیک گفتن نیار آمد بیک دیدار نگشاید
(ص ۳۴ دیوان ، بیت ۹)
۱۱- پیشوند « ن » و پیشوند « ب » به صورت « نه » و « به » جدای از افعال آمده بودند که به شیوه

رسم الخط جدید به فعلها متصل شد. مانند نبیند و ببین در بیت زیر :
نگاه روی بر روی تا نه بیند چشمم از چشمش دلم از غم نیاساید گلم از خار نگشاید
(ص ۳۴ دیوان ، بیت ۱۱)

۱۲ - حرف « گ » در همه ی موارد به صورت « ک » آورده شده است. مانند بنگر ، گلبانگ ، و گفتار در بیت زیر:

زاهد به خدا مستم رفتار مرا بنکر کلبانک مرا بشنو گفتار مرا بنکر
(ص ۵۲ دیوان ، بیت ۱۳)

۱۳ - حرف « چ » در بعضی موارد به صورت « ج » آورده شده است. مانند چیست و هیچ در بیت زیر:

چیست عالم در نظرم هیچ کار عالم هیچ بر هیچ
(ص ۱۶۹ دیوان ، بیت ۷)

۱۴ - حرف « ب » در بعضی موارد به شکل « پ » آورده شده است. مانند بی‌نگه، و بی‌تماشا در بیت زیر:

پی نگه ، عاشق شود آیین معشوقی ببین پی تماشا شیوه ی غنج و دلالم را نگر
(ص ۵۱ دیوان بیت ۴)

۱۵ - توجه به نقطه گذاری و آوردن علایم نگارشی ، جهت تسهیل کار مخاطب هنگام خواندن و دریافت معنای متن.

نتیجه‌گیری:

در یک جمع بندی کلی، ساختار اشعار اکبر اصفهانی به مانند ساختار سبکی شاعران هندی است. اشعار او همانند دیگر شاعران هم‌عصرش به گونه‌ای است که در آنجا موضوعات عادی و غیر ادبی به مضمون‌های ظریف و هنری تبدیل می‌گردد. غالباً این شاعر غزلسرا است، اما سراینده‌ی غزلی است که متکی بر یک بیت است و این بیت نیز به دو مصرع معقول (پیش مصرع یا مدعا) و مصرع برجسته (مَثَل) تقسیم می‌شود. اشعار اصفهانی مانند اشعار شاعران هم‌روزگارش از جمله صایب، کلیم و حزین ساده و قابل فهم است. رابطه‌ی تشبیهی بین مصراع معقول و محسوس، معتدل و لطیف و شیوه‌ی او به سبک قدما مربوط و مرتبط است و شعرش از وحدت موضوعی برخوردار است. اینچنین به نظر می‌رسد که او از میان متقدمین دنباله‌رو اشعار حافظ و شاعران سبک عراقی بوده است. او همچنین از شاعران پیشین به اشعار خاقانی نیز رغبت نشان می‌داده، ولی به دلیل طبع سرکش او در شاعری، حتی خودش را از خاقانی نیز برتر دانسته است. البته در جاهایی از دیوان او به مانند بیدل، شاعر اغماض‌گوی سبک هندی ابیات پیچیده‌ی محدودی به چشم می‌خورد که شمار این ابیات در دیوان او بسیار اندک است.

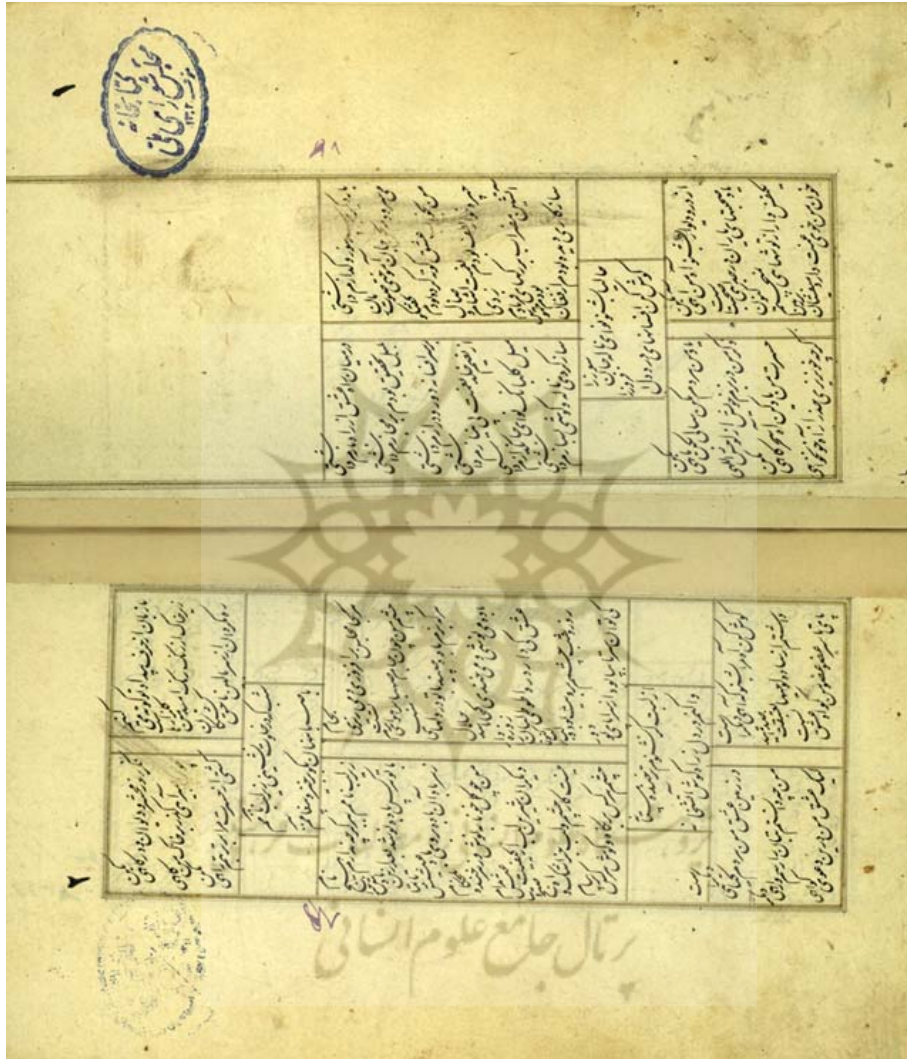
از نظر ویژگی زبانی لغاتی مانند نزاکت، سفال، سرمه، سمندر و فرنگ که از لغات رایج دوره‌ی صفویه است در غزلیات این شاعر به چشم می‌خورد. همچنین او به مانند دیگر شاعران هم‌دوره اش از نظر زبانی هنجارگریزی‌بهایبی دارد که منجر به ساختن ترکیب‌های جدیدی مانند نگاه وار ، خنده ناک ، گریه ناک ، گردناک ، کافرستان ، غریبستان ، شکارستان ، سروستان ، نرگستان ، آتشتان ، تبسم‌زار ، کرشمه زار و تجلی‌زار شده است.

او شاعری است که تنها با شعر گفتن معمولی عطش شوقش از بین نمی‌رود و برای رهایی از این عطش به هنجارگریزیهای دیگری نیز در زبان می‌پردازد تا شعر خود را از دیگر شاعران متمایز سازد و حرف جدید برای گفتن داشته باشد. چرا که از نظر او شاعران دیگر یاوه‌گوی و مقلدِ بیش نیستند و شعر او بر آنها رجحان و برتری دارد؛ از این رو با ترکیب لغات مختلف و ساده به ساختن ترکیب‌های کنایی و طرفه‌ی جدیدی مانند اثبات نشین، باد‌دستان، حایل فریب، عریان خلوت لا، مفسلان عور، مسند گاه اعزاز، دارالاماجه، کرسی انا فتحن، خلخ وار و غیره پرداخته است.

از نظر فکری او نیز مانند دیگر شاعران سبک هندی آرزوی رفتن به هند را در سر می‌پروراند و همواره به افکار و لغات مربوط به مذاهب و آداب و رسوم هندوان در شعرش توجه داشته است و برای تحقق بخشیدن به این امر به هند سفر کرده، ولی آب و هوای آن دیار به مذاق او خوش نیامده و پس از مدح پادشاهان آنها از جمله شاه سلیم و شاه جهان، صلّه و پاداش شعرش را اجازه‌ی رفتن به ایران درخواست کرده و دوباره به شهرش اصفهان برگشته است.

پشتوانه‌ی فکری و مذهب اصفهانی، شیعه و دین اسلام است. در یک نگاه کلی شعر او شعری تعلیمی و اخلاقی است و همواره بشریت را به پند و اندرز و آرمان‌گرایی رهنمون می‌سازد.

در شعر اصفهانی به بیان و بدیع توجه نمی‌شود و استعارات نیز چندان جایگاهی ندارند. اساس شعر او بیشتر بر تشبیه و انواع آن است. تلمیح نیز از دیگر صنایعی است که در شعرش زیاد رواج دارد. او تلمیحات زیادی در مورد پیامبران و معشوقه‌های تاریخی از جمله لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد دارد. از دیگر صنایع موجود در دیوان او اغراق‌های دور و دراز و ارسال المثل است که ارسال المثل مهمترین عنصر ادبی دوره‌ی صفویه است. البته آرایه‌های لفظی دیگری نیز در غزلیات او وجود دارد که جایگاه کمی را به خود اختصاص داده‌اند. از نکات دستوری رایج در دیوان او، اضافه‌ی اقترانی بیشتر به چشم می‌خورد و نکته‌ی خاص دیگری یافت نشد. امید آن دارم که در این بررسی حق مطلب را ادا کرده باشم و اگر قصور و اشتباهی در کار اینجانب مشاهده شد اهل فن به دیده‌ی اغماض بنگرند چرا که هر انسانی در ابتدای هر راه دچار لغزشهایی می‌گردد.



تصویر صفحه نخستین نسخه



تصویر صفحه پایانی نسخه